

الگوی کالبدی زندگی مهاجران افغان در کشور ایران، مورد مطالعاتی: کوره آجرپزی منطقه شمس آباد شهر تهران*

بهنوش طاهرخانی^۱ - عباس یزدانفر^{۲*}

۱. کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

چکیده

در پی نامی‌ها و جنگ‌های طولانی در افغانستان، افغان‌ها مجبور به مهاجرت به کشور ایران شدند. با توجه به سابقه طولانی مهاجرت افغان‌ها به ایران و تعداد قابل توجه آن‌ها، بررسی وضعیت آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران و افغانستان به دلیل پیوندهای فرهنگی، دینی، اجتماعی و غیره بیش از هر ملتی به یکدیگر نزدیک هستند. از این‌رو، ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای پذیرای مهاجران افغان است. مهاجران افغان پذیرای فرهنگ و جامعه ایران می‌باشند و همچنین با بحران هویت در مواجهه با جامعه جدید روبه‌رو می‌شوند. این امر منجر به اختلاط فرهنگی در جامعه ایران می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، ارائه مدل الگوی کالبدی مهاجرین افغان در کشور ایران با روش کیفی و از طریق مصاحبه عمیق می‌باشد. بدین منظور، ابتدا به تحلیل مسکن افغان‌ها پرداخته شده است، سپس ۴۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با افغان‌های مهاجر ساکن کوره‌آجرپزی شمس‌آباد تهران صورت پذیرفته است. در فرآیند کدگذاری داده‌ها با نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شده‌اند که منجر به رسیدن به ۱۴۸ کد شد. ارتباط کدها با مسئله اصلی پژوهش «الگوی کالبدی»، به صورت دیاگرام ارائه شد. دیاگرام ارائه‌شده در سه حوزه نیاز و خواسته کالبدی کاربردی - معنایی، پاراداکسیکال اجتماعی - فرهنگی، هم‌آمیزی فرهنگی - اجتماعی از عوامل موثر بر الگوی کالبدی دسته‌بندی شد. در نهایت بر طبق این دیاگرام الگوی کالبدی مهاجرین افغان در سه حوزه گفته شده و راهکارهای فضایی و کالبدی این سه دسته ارائه گردید.

واژگان کلیدی: مهاجرین افغان، افغان‌ها در ایران، الگوی کالبدی افغان، پژوهش کیفی.

۱. مقدمه

افغان‌ها اکثریت جمعیت مهاجران را در کشور تشکیل می‌دهند که اغلب به دلیل جنگ و اوضاع نابسامان کشورشان به کشور هم‌مرزشان، ایران که اشتراکات زیادی با هم دارند، مهاجرت می‌کنند. این مهاجران که اغلب غیرقانونی هستند در وضعیت بد اجتماعی، اقتصادی و غیره به‌سر می‌برند و همچنین برای کشور میزبان شرایط دشواری را ایجاد می‌کنند. به دلیل این‌که بدون سرمایه و دانش مفیدی وارد کشور ایران شده‌اند، به افشار پایین جامعه می‌پیوندند. مهاجران در تناقض و تضادهایی در معقولات اجتماعی و فرهنگی در مقایسه با جامعه مقصد مواجه می‌شوند و در اکثر مواقع از جانب جامعه مبدأ پذیرفته نمی‌شوند. پذیرش مهاجران افغان ساکن ایران در جامعه ایرانی به دلیل محرومیت از داشتن مشاغل مناسب و همچنین نداشتن سطح مهارت مناسب، به خوبی صورت نگرفته است (Abbasi-Shavazi et al. 2009). هرچند کشور ایران به دلیل میزبانی از میلیون‌ها افغان بدون کمک جامعه بین‌المللی مورد ستایش است، اما اکثر این مهاجران از حقوق محدودی در این کشور برخوردارند (Human Rights Watch 2013). معماری مسکن می‌تواند امکانات اولیه بهتری را برای زندگی مهاجران فراهم آورد و همچنین از لحاظ فرهنگی- اجتماعی جایگاه بهتری را در اختیار این مهاجران قرار دهد که موجب همزیستی و توافق فرهنگی بین آن‌ها و جامعه میزبان شود. این پژوهش درباره‌ی مهاجران افغانی است که به دلایل تاریخی دارای اشتراکات فراوانی در زمینه فرهنگی با جامعه ایرانی می‌باشند. این اشتراکات در هویت این مهاجران و جامعه مقصد تعاملات را تسهیل می‌بخشد. پیش‌داوری‌های منفی‌ای در جامعه ایران به دلیل سابقه حضور افغان‌ها و سطح اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی آن‌ها در طی این سال‌ها ایجاد شده است. حال مسئله این است که آیا با یافتن مدلی برای الگوی کالبدی و زیستی مهاجران می‌توان علاوه بر حل مشکل مسکن به توافقات فرهنگی و اجتماعی و همزیستی و همبستگی بین ایرانیان و افغان‌ها نیز پرداخته شود تا از این طریق افغان‌هایی که به دلایل مختلف پذیرفته نشده‌اند، از منظر جایگاه اجتماعی ارتقا یابند؟ این پژوهش با هدف بهبود شرایط حال حاضر برای افغان‌ها در منطقه کوره‌های آجرپزی شمس‌آباد تهران انجام شده است. پژوهشگر بنا به اقتضای پژوهش با پژوهشی کیفی به بررسی و تحلیل داده‌ها و در نهایت ارائه مدلی بر مبنای الگوی کالبدی مهاجران افغان در کشور ایران پرداخته است.

۱-۱- مهاجران در جامعه مقصد

در دنیای امروز مهاجرت یکی از عوامل اصلی در مطالعه‌ی تغییرات جمعیتی می‌باشد و نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد جمعیت و نیروی کار ایفا می‌کند (Foroutan 2011).

مهاجرت را در بیانی فرآیندی از حرکت ارادی یا اجباری یک فرد یا گروهی از افراد از مکانی به مکان دیگر به قصد سکونت موقت یا دائم تعریف می‌شود. مهاجرت تحولاتی را در نوع نگرش افراد و همچنین فعالیت‌ها و رفتارهای اجتماعی و اقتصادی آن‌ها ایجاد می‌کند. عمده‌ترین دسته‌بندی مهاجرت را می‌توان به دو دسته، ۱. درون‌مرزی در یک کشور، مهاجرت داخلی (به چهار شکل روستا به روستا، روستا به شهر، شهر به شهر و شهر به روستا) و ۲. به برون‌مرزی یا مهاجرت بین‌المللی تقسیم کرد (Jamshidiha and Alibabae 2002). در مهاجرت‌های بین‌المللی به‌خصوص مهاجران غیرقانونی، بحث امنیت و مشکلات سیاسی دارای بازتاب‌های مختلفی مانند به‌هم خوردن ترکیب قومی- مذهبی در کشور میزبان، فعالیت‌های ضد امنیتی، افزایش نزاع‌ها بین مهاجرین و جامعه میزبان، و غیره هستند (Zarghani and Mousavi 2013). با افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی در دنیا، خشونت و تبعیض و همچنین تجاوز به حقوق انسانی مهاجران و پناهندگان افزایش چشم‌گیری پیدا خواهد کرد (Taherpoor, Zamani, and Mohseni 2006). در فرآیند مهاجرت و پناهندگی گروه‌هایی به وجود می‌آیند که چهره، حالت جسمانی و عادات فرهنگی آنان برخلاف گروه غالب جامعه است که باعث برخورد متفاوت و نابرابر با آنان می‌شود (Abdizade et al. 2010). سه ویژگی عمده در برخورد جامعه‌ی میزبان با مهاجران عبارت است از: ۱. نفرت از مهاجران و مقصر دانستن آن‌ها در تمامی نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، ۲. نادانستگی نسبت به جامعه‌ی مهاجر و فرهنگ آن‌ها و ۳. تناقض در برخورد با مهاجران؛ از یک‌سو بهره‌کشی اقتصادی و از سوی دیگر ابزار نارضایتی از وجود آن‌ها در جامعه (Sadeghi 2007). با توجه به مطالعات (Yahyaie and Kia 2009)، مراحل گذران فرد مهاجر در جامعه مقصد به دو دسته نگاه قوم‌مدار^۱ که شامل مراحل ۱. انکار، ۲. دفاع از تفاوت‌ها، ۳. تقلیل تمایز و نگاه نسبی‌گرایی قومی^۲ که شامل مراحل ۱. پذیرش، ۲. انطباق با تفاوت‌ها، ۳. هم‌آمیزی و هضم شدن فرهنگی می‌باشد.

۱-۲- افغان‌های مهاجر در ایران

دسیسه‌های انگلیس و اقدامات آفاخان نوری منجر به جداسازی رسمی افغانستان از ایران در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار شد (Houshang Mahdavi 1970). در طول تاریخ افغانستان، شاهد جنگ و درگیری‌های داخلی و خارجی بسیاری بوده است که این عوامل در مهاجرت ساکنان این کشور تاثیر مستقیم داشته است. جنگ و ناامنی، ناپایداری سیاسی، فقر و فشار اقتصادی، تضادهای قومی منجر در کشورهای همسایه ایران منجر به شکل‌گیری مهاجرت و پناهندگی به این کشور بوده است (Pour Ahmad, Zayyari, and Zahedi 2014). مهاجرت افغان‌ها

فرهنگی و اجتماعی مهاجرین بیش تر بوده است، وابستگی آن‌ها به جامعه ایران افزایش خواهد یافت (Jamshidiha and Anbari 2004). زبان، تاریخ، اسطوره، دین و غیره از عناصر مهم هویتی- اجتماعی می‌باشند که اشتراکات مهم فرهنگی بین ایران و افغانستان می‌باشند (Yahyaie and Kia 2009). زبان فارسی (دری) و زبان پشتون زبان‌های رسمی افغانستان می‌باشند (Abdollahi 2009). اکثریت افغان‌ها مسلمانان هستند و به‌طور کلی به دو گروه سنی (حدود ۸۴ درصد) و شیعه (۱۵ درصد که عمده آن‌ها را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند) تقسیم می‌شوند (Sarat Translation Group 2012). افغانستان از قومیت‌های مختلفی تشکیل شده است و بر اساس تحقیقات مریل (۲۰۰۶)، ۵۲ درصد جمعیت افغانستان را پشتون‌ها، ۲۵ درصد تاجیک‌ها، ۱۲ درصد هزاره‌ها، ۶ درصد ازبک‌ها و ۵ درصد سایر اقوام (ترکمن، بلوچ، قرقیز، هندو، سیک، کشمیری، آیماق، فارس، هراتی، براهویی، نورستانی، قزاق) تشکیل می‌دهد. با توجه به آمارها، قوم هزاره بیش تر افغان‌های ساکن ایران را شامل می‌شوند که شباهت‌های دینی، زبانی و تاریخی این قوم افغان با ایرانیان را می‌توان دلیل آن دانست (Chor 1949). تنیدگی و تشابهات بسیار فرهنگی بین افغان‌ها و ایرانیان استنتاج می‌کند که مهاجرت افغان‌ها به ایران مشکلات فرهنگی و هویتی‌ای را ایجاد نخواهد کرد (Yahyaie and Kia 2009). وابستگی افغان‌ها به کشور ایران به دو دسته‌ی عمده تقسیم‌بندی می‌شود، ۱. وابستگی‌های مادی (داشتن شغل، داشتن زمین و املاک شخصی، منزل مسکونی، درآمد مکفی و غیره) و ۲. وابستگی‌های غیرمادی (وابستگی افراد به ارزش‌ها، هنجارها، مذهب، نظام خویشاوندی و قومیت، آداب و رسوم، رسوم اخلاقی، شیوه‌های قومی، زبان، حب وطن و غیره) می‌باشد (Jamshidiha and Anbari 2004). با توجه به نظریه اورت لی^۲ در رابطه با عوامل دافع و جاذب مبدأ و مقصد مهاجرت و همچنین عوامل مداخله‌گر، این عوامل به شکل زیر می‌توان برای مهاجران افغان در ایران برشمرد: (Jamshidiha and Alibabaie 2002).

به دلیل شرایط جنگ و اضطرابی بودن، قشر، گروه سنی یا طبقاتی خاصی را در بر ندارد، بلکه تعداد زیادی از خانواده‌ها و توده زیادی از ساکنین یک اجتماع را در بر دارد (Jamshidiha and Anbari 2004). در طول دهه‌های اخیر پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران، یکی از اشکال مهاجرت بین‌المللی است که روند صعودی داشته است (Pour Ahmad, Zayyari, and Zahedi 2014). اولین جابه‌جایی افغان‌ها به ایران در دهه ۱۸۵۰ میلادی آغاز شد که طی آن ۵۰۰ خانوار هزاره به ایران مهاجرت کردند و ساکن شدند. همچنین در طی سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۳ در تربت‌جام استان خراسان حدود ۱۵۰۰۰ خانوار افغانی (تقریباً ۱۶۸۰۰۰ نفر) مستقر شدند این تعداد حدود ۹۰ درصد محلی را در بر می‌گرفت (Mousavi 1997). بیش از ۱۲ میلیون افغان در ۴۰ سال گذشته در داخل یا خارج از کشور خود آواره شده‌اند. این یکی از بزرگ‌ترین و طولانی مدت‌ترین بحران‌های آوارگی است (Crawley and Kaytaz 2022). کشور افغانستان بیش از ۴۰ سال با جنگ و آوارگی درگیر است، این آوارگی با تهاجم شوروی در سال ۱۹۷۹ آغاز شد. جمعیت پناهجویان افغان در سال ۲۰۰۲ به بیش از شش میلیون نفر رسید. در این زمان ۲.۶ میلیون پناهنده به صورت رسمی و سه میلیون افغان بدون مدرک ثبت شد. طبق تحقیق در سال ۲۰۱۶، ۸۵ درصد آن‌ها به کشورهای همسایه خود، پاکستان و ایران مهاجرت کرده بودند (UNHCR 2016). ایران و افغانستان از گذشته در فلات ایران (گهواره‌های طبیعی واحد)، دارای شباهت‌های بسیار در ساختار انسانی و پیوندهای فرهنگی، اجتماعی، دینی، اقتصادی بوده‌اند و بیش از هر ملتی به یکدیگر نزدیک و پیوند عاطفی و تجانس نسبی بالایی میان ساکنان دو طرف مرز وجود دارد (Yahyaie and Kia 2009). از این رو افغان‌ها، ایران را به عنوان اولین مقصد مهاجرت خود انتخاب می‌کنند. هر چه حس تعصب به وطن، آداب و رسوم، شیوه‌های قومی در میان مهاجرین افزایش یابد، تمایل آن‌ها به بازگشت بیش تر خواهد شد و هر میزان تشابه بین عوامل مذکور در جامعه ایران با خصایص

جدول ۱: دافع و جاذب مبدأ و مقصد مهاجرت

عوامل مداخله‌گر	نزدیکی مرزی و جغرافیایی دو کشور، پایین بودن هزینه‌ی سفر در ایران، عدم مقررات خاص مهاجرتی در ایران در مورد مهاجرین افغان، ساکن شهر یا روستا بودن افراد (در مبدأ)، جنس افراد (زن یا مرد بودن)، سطح سواد افراد
عوامل جاذب ایران	وجود امنیت مالی و شغلی برای مهاجرین افغان در ایران، اشتراک دینی و مذهبی با مردم ایران
عوامل دافع ایران	اشتراک فرهنگی و زبانی با مردم ایران، وجود انقلاب اسلامی در ایران و حمایت ایران از مردم افغانستان
عوامل جاذب افغانستان	قوانین سخت مالکیت (ملک، ماشین، خط تلفن، حساب بانکی و غیره)، قوانین سخت حقوق شهروندی و عدم برخورداری از امکانات دولتی
عوامل دافع افغانستان	به علت وجود دافعه‌های بسیار زیاد، عوامل جاذبی که باعث نگه‌داشتن مردم افغانستان در سرزمینشان شود وجود ندارد. وجود جنگ و ناآرامی‌های سیاسی دائمی در افغانستان، نبود امنیت اقتصادی و مالی به علت جنگ و تحولات سیاسی، نبود امنیت برای شیعیان، حاکمیت یک قوم خاص (پشتون) بر کل اقوام افغانستان

(Jamshidiha and Alibabaie 2002)

۳-۱- مسکن افغان‌ها

به عقیده راپاپورت خانه به عنوان پدیده و نهاد فرهنگی است. تأثیرپذیری شکل خانه از فرهنگ را فعالیت‌ها شکل می‌دهند (Rapoport 1998). در این قسمت به بررسی خانه‌های افغان‌ها در افغانستان می‌پردازیم. در دسته‌بندی‌ای انواع خانه‌های افغان در جدول ۲ آورده شده است.

روشن کردن ارزش‌ها، تشخیص اولویت‌ها و در نظر گرفتن اهداف در تکمیل نیازها و عوامل بالقوه طراحی نقش مهمی را در درک انسان از مسائل طراحی ایفا می‌نمایند (Dahl and Sykes 1988). مسکن و سکونتگاه‌ها توصیفی فیزیکی از عوامل مشترک اجتماعی هستند (Rapoport 1969).

جدول ۲: دسته‌بندی انواع خانه‌های افغان

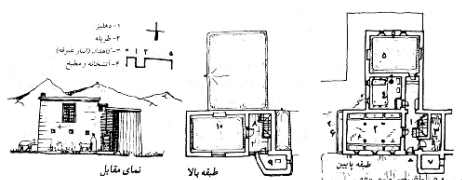
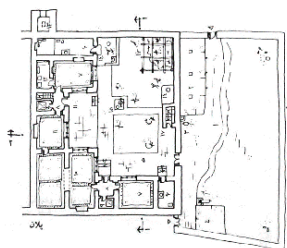
منطقه	ویژگی خانه‌ها
جنوب و مرکز	خانه‌های چند طبقه روستایی و دارای دیوارهای بلند از جنس کاه‌وگل، در مزارع، به شکل پراکنده
شمال و غرب	خانه‌های گنبدی‌شکل، اغلب از آجرهای خشتی
ارتفاعات شرقی	سنگ و الوار، مصالح ساختمانی مشترک، معماری داخلی خانه‌ها بر جدایی بین قسمت‌های عمومی و خصوصی

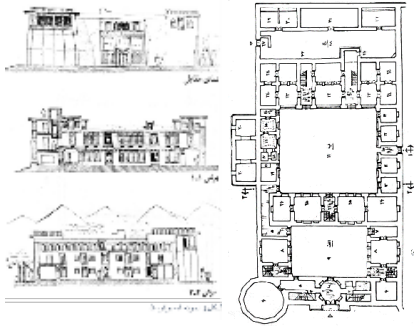
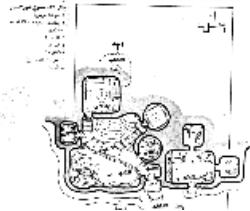
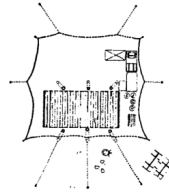
(Sarat Translation Group 2012)

گونه واحدهای مسکونی زیر تقسیم کرده است، خلاصه‌ای از این تقسیم‌بندی در جدول ۳ ذکر شده است.

در تقسیم‌بندی دیگر که گونه‌های مسکن موجود در مناطق مرکزی افغانستان - هزاره‌جات از میان صدها نمونه مورد ارزیابی، گزینش کرده و پس از دسته‌بندی به پنج

جدول ۳: مسکن موجود مناطق مرکزی افغانستان - هزاره‌جات

فضاها	ویژگی‌ها	نوع واحد مسکونی
در فضای زندگی انسان یک تنور در وسط آن تعبیه شده (تنورخانه)، پشت بام برای خشک کردن و انباشت فضله دام به عنوان مواد سوختی و انباشت هیزم	ساده‌ترین نوع سرپناه، استفاده انسان و دام مشترک، به شکل مستطیل بسته، سقف تخت و دیواری ضخیم، دارای در کوتاه و کم‌عرض مشترک بین انسان و دام، دارای روزنه‌های کوچک برای نورگیری و تهویه در دیوار، دارای سوراخ کوچکی به عنوان دودکش در سقف هیچ‌گونه حفاظ و حصاری بر دور این نوع واحد مسکونی نیست.	واحدهای مسکونی لخت و عریان (کلدیوال) 
حیاط‌های عملکردی واحد مسکونی کلدیوال در پشت بام، اتاق تنور (تنورخانه)، طویله، انبار علوفه و انبار هیزم در طبقه همکف، اتاق نشیمن فاقد سیستم گرمایش (بهارنشین)، اتاق مهمانخانه در طبقه اول	یک فضای محصور، حیاطدار کاملاً درون‌گرا، گشادگی کم‌تر به بیرون، در فضای انسان و دام‌ها و به مقدار قابل توجهی از هم مجزا شده، حیاطدار، سقف تخت با پوشش تیرهای چوبی بر روی کوتاه‌ترین دهانه. یکی از گونه‌های دیگر دارای حیاط مرکزی است، که غالباً چندین خانوار به صورت مشترک در آن زندگی می‌کنند.	واحدهای مسکونی حیاطدار (حولی‌دار) 

فضاها	ویژگی‌ها	نوع واحد مسکونی
	حجم‌های مکعبی و برج‌های استوانه‌ای، غالباً درون‌گرا، نمای خارجی گشادگی خاصی جز سردر ورودی ندارد.	واحدهای مسکونی قلعه‌ای 
در داخل سموچ نیز زندگی مسالمت‌آمیز بین دام و انسان برقرار است.	جداره‌ی بیرونی کوه‌هایی با مصالح مخلوط گل و سنگریزه و تپه‌های خاکی، حفر در دیواره کوه‌ها و یا تپه‌های مناسب، دارای پلان نامنظم دایره‌ای و مربعی، سقف گنبدی و استوانه‌ای (گهواره‌ای)، مدخل کوتاه، روزنه‌های کوچک گشادگی زیادی به بیرون ندارد، دست‌ساز انسان، ابعاد فضای داخلی محدود	واحدهای مسکونی مغاره‌ای (سم یا سموچ) 
	واحد مسکونی متحرک و غیرساکن، شکل ظاهری چادر با دیرک‌های چوبی قابل انعطاف و دسته‌هایی نیمه‌محکم شده به هم، سازه قابل حمل، پلان مدور یا قدری کشیده، سقف انحنایی، شامل چپری‌های دایره‌ای، چپری‌های چندضلعی، چپری‌های مستطیلی و بیضی کشیده	واحدهای مسکونی متحرک 

(Hesari 1997)

جوامع قومی پشتون افغانستان، نظام نام‌های ارزشی است و از طریق مفاهیمی هنجاری در زندگی و معماری ایشان نمود پیدا می‌کند در این میان، همان‌طور که در جدول ۴ دسته‌بندی شده است، «استقلال»، «ملمستیا»، «ناموس» و «سیالی»، مفاهیمی در محتوای پشتونوالی می‌باشند که اثر ملموس‌تری بر الگوی قلاها داشته‌اند.

در ادامه ساختار خانه‌های قلعه‌ای را در سه حوزه‌ی فضایی که شامل حوزه اسکان، دام‌ها و ذخیره‌سازی می‌باشد محدود می‌کند و الگوی غالب این دسته از خانه‌ها را بر پایه پلانی مربع با دیوارهای مرتفع می‌داند و در آخر سطح‌بندی عوامل فرهنگی و نحوه‌ی تأثیرگذاری آن بر الگوی معماری قلا را در جدولی (جدول ۴) ارائه می‌دهد. او در مطالعات خود دریافت که پشتونوالی در

جدول ۴: سطح‌بندی عوامل فرهنگی و نحوه‌ی تأثیرگذاری آن بر الگوی معماری قلا

مفهوم هنجاری	فعالیت (الگوی رفتاری)	الگوی معماری
استقلال	اتکا به خود، اتحاد و انسجام، زندگی جمعی خالص، زندگی در جهان خودی‌ها	مجموعه‌ای کامل، مجموعه‌ای مستقل، زمینه‌ای گسترده، حفظ فاصله قلا از سایر مجموعه‌ها، ابعاد بزرگ، حریم توسعه، محدود بودن ارتباط با جهان خارج و شکل‌گیری جهانی کوچک و مطمئن

مفهوم هنجاری	فعالیت (الگوی رفتاری)	الگوی معماری
ملمستیا	آمدگی دائم، کامل و همراه با احتیاط در پذیرایی از هر مهمان مذکر، تمام شمول بودن تعریف مهمان، مسئول بودن در حمایت مالی و جانی مهمان، تخصیص مطلوب‌ترین شرایط و کامل‌ترین تسهیلات به مهمان	اولین عنصری که در سکونت‌گاه ساخته می‌شود، مهمان‌خانه است؛ مهمان‌خانه فضایی در دسترس عموم است، اولویت مهمان‌خانه در تخصیص کمیت و کیفیت فضایی، بزرگ ساختن مهمان‌خانه، مجرد و منفک ساختن مهمان‌خانه، مستقل و کامل ساختن مهمان‌خانه
ناموس	تهدید دانستن هر بیگانه مذکر برای زن‌های خانواده، کسب توانایی در حفاظت و حمایت از زن‌ها، دارایی و املاک خانواده، مراقبت در شکل‌گیری هر گونه تصادم فیزیکی، بصری و یا احساسی بین بیگانگان و اعضای مؤنث خانواده، ارائه نمایشی دائمی از قدرت و توانایی، ارتباط دائمی با ملک و اشراف کامل بر سرمایه و زن‌های خانواده	ترکیبی بسته و غیرقابل نفوذ، ترکیب ساده و مقتدر، ترکیبی از دانه‌های مستقل، دیوارهای پیرامونی مرتفع و عظیم، برج‌های دیده‌بانی، انتخاب مکان استقرار قلا در ارتباط نزدیک با املاک خانواده، سلسله‌مراتب دسترسی، فاصله گرفتن حوزه‌های سکونت خصوصی و ذخیره‌سازی از ورودی، استقرار دو حوزه مهمان و سکونت خانوادگی در دو قطب مخالف زمین، پیش‌بینی فاصله لازم بین دو حوزه‌ی سکونت خصوصی و مهمان
سیالی	رقابت در اثبات برابری قدرت، ثروت و جایگاه اجتماعی با سیال کسب توانایی در اثبات برابری با سیال، حصول ابزار و عوامل اثبات‌کننده برابری با سیال	انتخاب الگوی قلا به عنوان مسکن بر مبنای سیالی، انتخاب مکان احداث قلا به لحاظ کیفیت و مزایا بر مبنای سیالی، تعیین کمیت‌های کلی و جزئی الگوی معماری قلا، اندازه، مساحت، ارتفاع و غیره (بر مبنای سیالی، تعیین کیفیت‌های کلی و جزئی الگوی معماری قلا) تزیینات، مبلمان، دید و چشم‌انداز و غیره (بر مبنای سیالی)

(Tajik, Hojat, and Acinifar 2017)

با این وجود فرهنگ و عادت‌های اجتماعی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری الگوی کالبدی سرپناه افراد می‌باشد. با بررسی و دسته‌بندی مسکن افغان‌های هزاره (به‌دلیل کثرت مهاجرین افغان هزاره در ایران) با در نظرگیری نظام ارزش‌های موجود در کشور افغانستان به الگوی مسکن افغانستان در جدول ۵ می‌رسیم.

جدول ۵: الگوی مسکن افغانستان

اسکان	دام	ذخیره‌سازی
بر پایه نظام‌های ارزشی: زندگی جمعی و اشتراکی خانواده‌ها انسان‌ساز، مهمان‌خانه، درون‌گرایی مجزا کردن مهمان‌خانه و فضا خصوصی گشودگی کم‌تر به بیرون (تنها گشودگی در ورودی)	زندگی مسالمت‌آمیز در کنار دام‌ها ابعاد و فضای محدود داخل	تنورخانه استفاده پشت فضای پشت بام استفاده از فضا حیاط مرکزی

۲. روش پژوهش

این تحقیق بر اساس نوع داده‌ها در زمره تحقیقات کیفی به شمار می‌رود. با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش، با به‌کارگیری مصاحبه عمیق و کدگذاری داده‌ها بهره‌جسته شده است. در این پژوهش‌های کیفی پژوهشگر با ذهن باز و به دور از پیش‌داوری یا فرضیه به گردآوری و تحلیل داده‌ها پرداخته است. جامعه پژوهش، افغان‌های ساکن کوره آجرپزی شمس‌آباد تهران می‌باشد. طبق آمار NGOها ۱۶ کوره در منطقه موجود می‌باشد که ۱۴۲ خانوار در آن زندگی می‌کنند. جمعیت ساکن این

منطقه را کارگران دائمی و کارگران فصلی و اجاره‌نشینان تشکیل می‌دهد. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه‌ای نیمه‌ساختاریافته با ۴۰ نفر از افغان‌های ساکنین منطقه کوره آجرپزی شمس‌آباد صورت گرفت. در این مرحله از تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. به‌منظور رسیدن به اشباع نظری مصاحبه در چند مرحله انجام شده است و افراد نمونه از گروه‌های مختلف انتخاب شوند و افرادی مورد مصاحبه قرار گرفتند که از نظر سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات و طبقه اجتماعی با یکدیگر متفاوت باشند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از

کالبدی رابطه مستقیم دارد. ساکنین منطقه کوره آجرپزی همگی از امنیت موجود در خصوص زنان و کودکان در منطقه رضایت کامل داشتند. با مصاحبه‌های انجام‌شده برخلاف تصور همگی از امنیت بالای منطقه می‌گفتند. طی مصاحبه‌ها این‌گونه برداشت شد که این منطقه عاری از مجرمان و خلافکاران و معتادان می‌باشد. اشتراکات بین افراد ایرانی و افغان (زبان مشترک فارسی، دین مشترک اسلام و آداب و رسوم مشترک)، پذیرش فرهنگ ایرانی از جانب افغان‌ها و وابستگی‌شان به ایران رابطه مستقیمی باهم‌آمیزی فرهنگی بین این دو ملیت می‌باشد. از این رو الگوی کالبدی با هم‌آمیزی و هضم فرهنگی، تأکید بر رسوم و فرهنگ مشترک ایران و افغان، تمایل به هم‌آمیزی اجتماعی رابطه مستقیم دارد. هرچند تمایز خرده‌فرهنگی با ایران، غرور به افغان بودن، حفظ هویت افغان مؤلفه‌هایی هستند که منجر به تمایزات فرهنگی ایران و افغان می‌شوند ولی با توجه به فرهنگ غنی ایران در آن هضم می‌شود. هم‌آمیزی و هضم فرهنگی منجر به همبستگی اجتماعی، دوستی با ایرانی‌ها و مشارکت بین دو طرف می‌شود. دوستی و مشارکت بین ایرانی‌ها و افغان‌ها و همچنین رضایت و صلح با ایرانی‌ها منجر به هم‌آمیزی اجتماعی بین دو ملیت می‌شود. به‌علاوه اکثر مصاحبه‌شوندگان تأکید بر رسوم و فرهنگ مشترک ایران و افغان داشتند که این عامل در ارتباط با اشتراکات دو ملیت است که این مؤلفه نیز منجر به همزیستی اجتماعی خواهد شد.

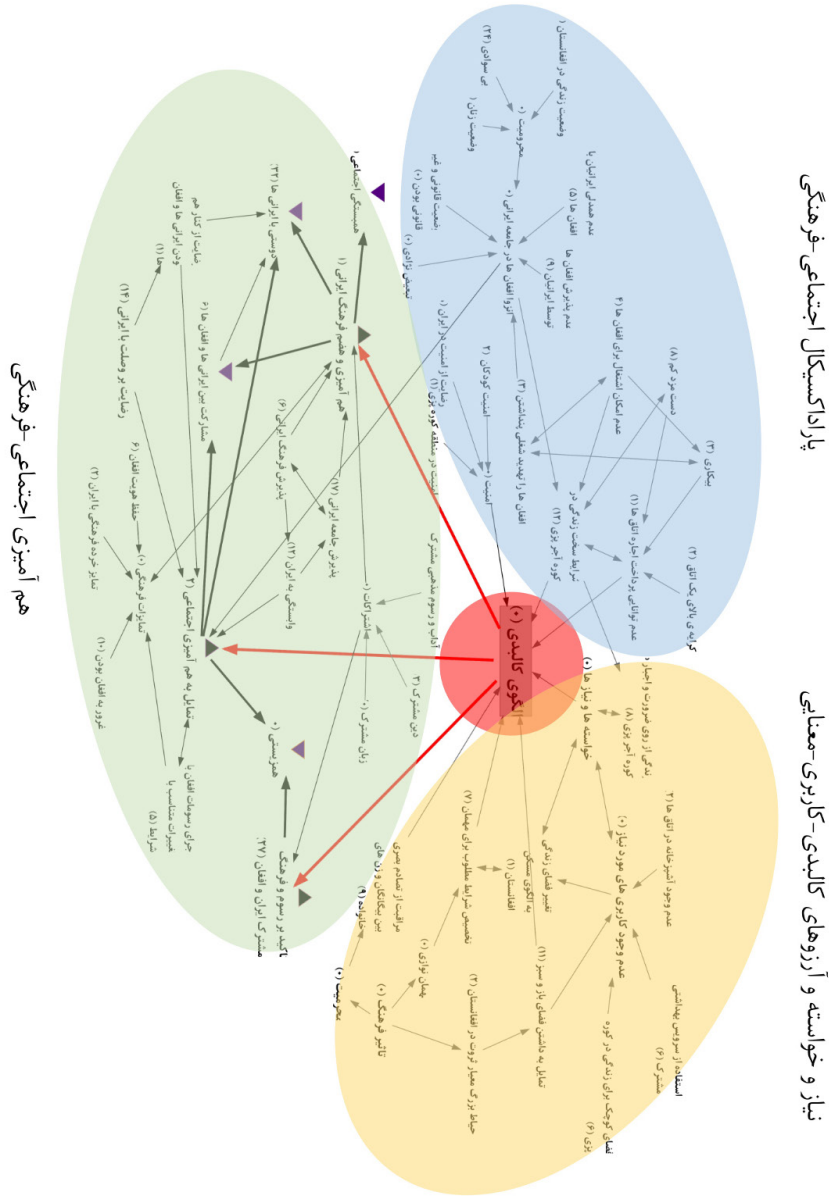
در شکل ۱ پژوهشگر ارتباط هر یک از کدها با یکدیگر و ارتباط مستقیم و غیر مستقیم موثر هر یک بر مسئله اصلی پژوهش یعنی الگوی مسکن مهاجرین افغان در کشور ایران را ارائه داده است. افغان‌ها قبل از مهاجرت به ایران الگوی مسکن متناسب خود را داشته‌اند. حال پس از مهاجرت و مواجهه با شرایط و فرهنگ جدید تغییراتی در سبک زندگی آن‌ها ایجاد شده است و نیاز به مسکنی با شرایط جدید خود می‌باشند. پژوهش حاضر به ارائه مدلی مبتنی بر الگوی مسکن مهاجرین افغان در کشور ایران پرداخته است. پس از تعیین رابطه‌ی بین کدهای استخراجی از مصاحبه افراد در شکل ۱، این مدل ارتباطی در سه حوزه نیاز و خواسته کالبدی کاربری- معنایی، پاراداکسیکال اجتماعی- فرهنگی، هم‌آمیزی فرهنگی- اجتماعی دسته‌بندی شده است (شکل ۲). بر طبق این دسته‌بندی به الگوی کالبدی مهاجرین افغان در کشور ایران (شکل ۳) می‌رسیم.

کدگذاری استفاده شد. در نهایت برای اطمینان از روایی و پایایی پژوهش، پرسش‌های مصاحبه به تأیید چند متخصص رسانده شده است.

۳. یافته‌ها

در این پژوهش مصاحبه‌های عمیق از طریق گفت‌وگوهای طولانی که از طریق ضبط صدا صورت گرفته بودند و به متن تبدیل شدند و پس از کدگذاری در نرم‌افزار MAX-QDA دسته‌بندی شدند. کدگذاری به معنی مراحل خرد کردن داده‌های متنی، کلمه به کلمه و در واحدها معنایی مجزا است (Keshavarz Haghghi 2013). در کدگذاری باز ناشی از تحلیل مصاحبه‌ها از ۸۳۵ کد، ۱۴۸ کد مفهومی استخراج شد. در گام بعدی با صاحب‌نظران این حوزه، نشست به منظور اعتبارسنجی ترتیب داده شد که بحث‌هایی درباره‌ی اعتبار کدها صورت گرفت و تغییراتی در کدها اعمال شد. این فرآیند به‌صورت رفت و برگشتی و در چند مرحله انجام شد تا نهایتاً با رسیدن به اشباع نظری مصاحبه‌ها متوقف شد. در نهایت مدلی در قالب دیاگرام ارائه گردید، دیاگرام ارتباطی بین مؤلفه‌ها استخراجی از کدها با تحلیل پژوهشگر در قسمت (MAX Maps) در نرم‌افزار MAXQDA ترسیم شد (شکل ۱). این دیاگرام ارتباط عوامل مختلف و تاثیرگذاری و تاثیرپذیری این عوامل را بر هم مشخص می‌کند. تاثیر تمامی این مفاهیم بر الگوی کالبدی که پدیده اصلی این پژوهش می‌باشد، به صورت مستقیم و غیرمستقیم نشان داده شده است. بر اهمیت‌ترین مفاهیم به شرح زیر می‌باشد: با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و هویتی افغان‌ها با ایرانیان و مهم‌ترین آن یعنی تفاوت سبک زندگی و وجود کاربری‌های مورد نیاز که به تغییر فضای زندگی با استفاده از الگوی مسکن افغانستان منجر شده است. فرهنگ افغان‌ها از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر مسکن زندگی آن‌ها می‌باشد. از اصلی‌ترین مؤلفه‌ی فرهنگ افغان‌ها مهمان‌نوازی و اهمیت محرمیت است که موجب به تخصیص مطلوب‌ترین فضا برای مهمانان و سعی در جدا کردن فضای نیمه‌خصوصی از فضای عمومی می‌باشد. همچنین تمایل آن‌ها به داشتن فضای باز ناشی از وجود محیط‌های سبز اطراف در مسکن آن‌ها در افغانستان می‌باشد. عدم همدلی و پذیرش افغان‌ها توسط ایرانیان منجر به تبعیض نژادی می‌باشد که وضعیت قانونی و غیر قانونی بودن افغان‌ها و همچنین تهدید شغلی پنداشتن افغان‌ها موجب تشدید این امر می‌شود. امنیت نیز با الگوی

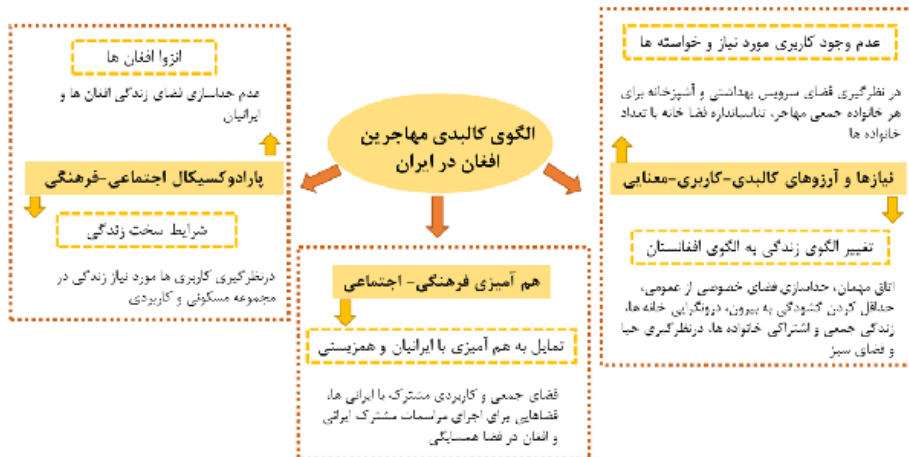
شکل ۲: حوزه‌بندی دیاگرام ارتباطی بین مؤلفه‌ها و مقوله‌ها



پارادوکسیکال اجتماعی-فرهنگی

نیاز و خواسته و آرزوهای کالبدی-کاربری-معنایی

شکل ۳: الگوی کالبدی مهاجرین افغان در کشور ایران



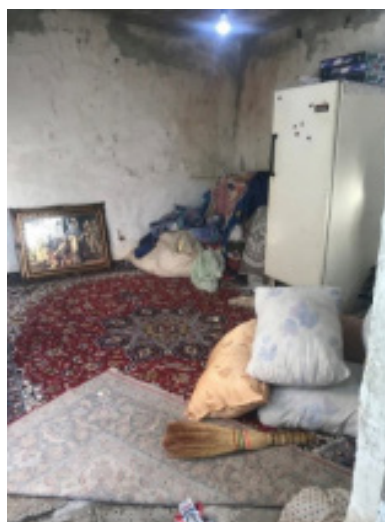
شکل ۴: خصوصی کردن راهروها بین چند خانواده‌ی آشنا با هم
شکل ۵: نبود محرمت بین اتاق‌ها
شکل ۶: سرویس و حمام مشترک



شکل ۸: آشپزخانه مشترک



شکل ۷: عدم تناسب اتاق‌ها با تعداد اعضای خانواده



با برخی مشکلات کالبدی از جمله نبود اتاق مهمان و محرمت روبه‌رو هستند (شکل ۵). همان‌طور که گفته شد در بین افغان‌ها فرهنگ مهمان‌نوازی از اهمیت بالایی برخوردار است، از طرف دیگر بحث محرمت و روبه‌رو نشدن مهمان‌های مرد با زن‌های خانه را از مسائل ضروری می‌دانند که با توجه به این عوامل وجود اتاقی جدا برای مهمان را ضروری به شمار می‌آورند. در بحث محرمت بسیاری از ساکنان دست به تغییر فضای زندگی به الگوی مسکن افغانستان زده‌اند تا محرمت فضای خود را با ساده‌ترین ابزار از جمله گذاشتن درب بین فضای نیمه‌خصوصی و عمومی و یا حتی پرده‌هایی، به وجود آورند (شکل ۴). افغان‌ها تاکید بر وجود فضای سبز در اطراف منطقه زندگی خود داشتند و بسیاری از آن‌ها فضای باز و سبز اطراف منطقه کوره آجرپزی شمس‌آباد را یادآور خانه‌های خود در افغانستان می‌دانستند. این عوامل نتیجه

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش کیفی به ارائه مدل الگوی کالبدی زندگی مهاجران افغان در کشور ایران پرداخته است. با انتخاب منطقه کوره آجرپزی شمس‌آباد تهران که محل ساختارنیافته با ۴۰ نفر از افغان‌ها پرداخته شده است. پس از کدگذاری مصاحبه‌ها و بررسی هر یک، ارتباط کدها با یکدیگر و ارتباط آن‌ها با مسئله اصلی پژوهش یعنی الگوی مسکن مهاجرین افغان در کشور ایران (شکل ۱) ارائه شده است. این مدل در سه حوزه نیاز و خواسته کالبدی کاربری- معنایی، پاراداکسیکال اجتماعی- فرهنگی، هم‌آمیزی فرهنگی- اجتماعی دسته‌بندی می‌شود. نبود برخی فضاهای کالبدی مورد نیاز از جمله آشپزخانه و غیره از جمله مشکلات اصلی افراد در این منطقه می‌باشد (شکل ۶، ۷ و ۸). با توجه به فرهنگ و رسومات افغان‌ها

می‌کنند را داشتند. نسبت به سال‌های اول مهاجرت افغان‌ها به ایران بسیاری از ایرانی‌ها و افغان‌ها، تعصبات کنار گذاشته‌اند و قدم در راه همزیستی و همبستگی اجتماعی گذاشته‌اند. روحیه‌ی اشتراک‌پذیری بین افغان‌ها موجب پذیرش هر چه بیش‌تر فرهنگ ایرانی می‌شود. این عوامل در حوزه هم‌آمیزی فرهنگی - اجتماعی از عوامل موثر بر الگوی کالبدی می‌باشند.

برآورده نشدن نیازهای کالبدی در فضای زندگی می‌باشند و در حوزه نیاز و خواسته کالبدی کاربردی - معنایی قرار می‌گیرند. فرهنگ ایرانی و افغان دارای اشتراکات زیادی است و مهاجرت افغان‌ها به ایران و زندگی‌شان در ایران منجر به هم‌آمیزی و هضم فرهنگ ایرانی برایشان بوده است. مصاحبه‌شوندگان تأکید بر رسوم و فرهنگ مشترک ایران و افغان داشتند و تمایل به هم‌آمیزی اجتماعی و دوستی و هم‌دلی با مردم کشوری که در آن زندگی

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

پی‌نوشت

1. Ethnocentric
2. Ethno Relative
3. Evert. S. Lee

فهرست منابع

- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal, Diana Glazebrook, Gholamreza Jamshidiha, Hossein Mahmoudian, and Rasoul Sadeghi. 2005. "Return to Afghanistan." A study of Afghans Living in Mashhad, Islamic Republic of Iran. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit. <http://dx.doi.org/10.25673/105685>.
- Barr, Heather, and Faraz Sanei. 2013. "Unwelcome Guests: Iran's Violation of Afghan Refugee and Migrant Rights. Human Rights Watch". Informing humanitarians worldwide. a service provided by UN OCHA. <https://www.refworld.org/docid/528f27454.html>.
- Foroutan, Yaghoob. 2011. Socio-demographic study of the association between identity and migration. *Journal of National Studies* 13(250): 73-96. <https://www.sid.ir/paper/380330/fa>. [in Persian]
- Jamshidiha, Gholamreza, and Yahya Alibabaei. 2002. "Investigating the factors affecting the return of Afghan immigrants with an emphasis on the residents of Golshahr town of Mashhad." *Journal of Social Sciences Letter* 20: 71-90. https://jnoe.ut.ac.ir/article_10510.html. [in Persian]
- Zarghani, Hadi, and Zahra Mousavi. 2013. International emigrations and national security. *Journal of Strategic Studies* 16(1): 7-26. <https://ensani.ir/fa/article>. [in Persian]
- Taherpoor, Firoozeh, Reza Zamani, and Nikchehre Mohseni. 2006. "Comparative Study of Individual, Cognitive, and Motivational Bases of Prejudice Towards Afghan Immigrants." *Psychological Research* 8(3). <https://ensani.ir/fa/article/126419>. [in Persian]
- Abdizade, Sohrab, Nasratan Adibrad, Jalal Younesi, and Ali Asgari. 2010. "The relationship between identity styles and self-concept of Iranian and Afghan high school boys living in Qom." *Social Welfare Quarterly* 39: 471-445. <https://www.sid.ir/paper/56410/fa>. [in Persian]
- Sadeghi, Fateme. 2007. "Iran and Afghan immigrants: changing policies and identity transformation. *Goftogu* (50): 7-22. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/494978>. [in Persian]
- Yahyaie, Sobhan, and Marzie Kia. 2009. "A study of cultural identity and national identity image of Iranian and Afghans; regarding to Afghan immigrants' attitude toward Iranians." *National studies* (37): 135-156. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/820627>. [in Persian]
- Houshang Mahdavi, Abdolrez. 1970. "History of Iran's foreign relations." Tehran: Amir Kabir Publishers. <https://asmaneketab.ir/product>. [in Persian]
- Pour Ahmad, Ahmad, Keramatollah Zayyari, and Javid Zahedi. 2014. "The Evaluation of Afghan Immigrant's Urban Quality of Life by Mental Method (Case study: Robot Karim)." *Geographical Urban Planning Research* 2(1): 1-15. <https://ensani.ir/fa/article/346635>. [in Persian]
- Jamshidiha, Gholamreza, and Mousa Anbari. 2004. "Actors affecting voluntary repatriation of Afghan refugees residing in Iran." *Nameh-ye olum-e ejtemai* 11(4): 43-68. <https://www.sid.ir/paper/2367/fa>. [in Persian]
- Mousavi, Sayed Akbar. 1997. "The Hazaras of Afghanistan: An Historical, Culture. Economic and Political study". New York: St Martin's Press. https://books.google.com/books/about/The_Hazaras_of_Afghanistan.html?id=w1eaQgAACAAM.
- Crawley, Heaven, and Esra Kaytaz. 2022. "Between a Rock and a Hard Place: Afghan Migration to Europe from Iran." *Social Inclusion* 10(3). <https://www.cogitatiopress.com/socialinclusion/article/view/5234>.
- UNHCR. 2016. "Global trends: Forced displacement in 2015." <https://reliefweb.int/report/world/unhcr-global-trends-forced-displacement-2015>.
- Abdollahi, Hassan. 2009. "Afghanistan; Explaining the ideal pattern of the urban system." Mashhad: Papoli Publication. <https://www.gisoom.com/book/1655612>. [in Persian]
- Dahl, Dan, and Randolph Sykes. 1988. "Charting Your Goals: Personal Life-goals Planner: Self-directed Exercises that Will Help You Achieve Your Personal and Business Objectives in the Areas of Career." Health, Relationships, Finances, Personal Growth, and Values Clarification. Perennial Library. https://openlibrary.org/authors/OL955971A/Dan_Dahl.
- Rapoport, Amos. 1998. "Using "Culture" in Housing Design. *Housing and Society* 25(1-2): 1-20. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/08882746.1998.11430282>.
- Rapoport, Amos. 1969. "House Form and Culture, Englewood Cliffs. CA: Prentice Hall." [https://www.scirp.org/\(S\(i43dyn45teexjx455qlt3d2q\)\)/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1297502](https://www.scirp.org/(S(i43dyn45teexjx455qlt3d2q))/reference/ReferencesPapers.aspx?ReferenceID=1297502).
- Chor, Laurel. 1949. *Afghanistan*. Translated by Fatemeh Shadab. Tehran: Qoqnoos Publishing. <https://qoqnoos.ir/Fa/%D8%A7%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>. [in Persian]
- Sarat Translation Group. 2012. "The Culture of the Afghan people." *Regional research* (7). <https://www.magiran.com/paper>. [in Persian]
- Hesari, Soltan Hossein. 1997. "Organization of housing architecture in the central regions of Afghanistan, Hazara Jat". Tehran: Shahid Beheshti University Publishing. https://press.sbu.ac.ir/book_244.html. [in Persian]
- Tajik, Sadruddin, Isa Hojat, and alireza Aeinifar. 2017. "Attitude to Ethnic Values in Architecture of Pashtun's

Castle Houses in Afghanistan.” *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning* 21(4): 51-62. https://jfaup.ut.ac.ir/article_61656.html. [in Persian]

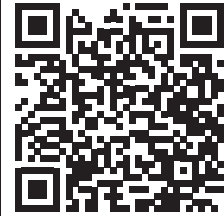
- Keshavarz Haghighi, Mehdi. 2013. “Organizational Indifference Model in a Bank System (Case Study: A Private Bank).” *Human Resource Management Researches* 4(2). <https://ensani.ir/fa/article/347965>. [in Persian]

نحوه ارجاع به این مقاله

طاهرخانی، بهنوش، و عباس یزدانفر. ۱۴۰۲. الگوی کالبدی زندگی مهاجران افغان در کشور ایران، مورد مطالعاتی: کوره آجرپزی منطقه شمس آباد شهر تهران. *نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر* ۱۶(۴۴): ۱۶۳-۱۷۵.

DOI: 10.22034/AAUD.2023.323357.2603

URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_183813.html



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



